

## **Context Investigation of the Formation of Murjiah in Khorasan**

Mojtaba Zahabi<sup>\*</sup> Dariyush Nazari<sup>\*\*</sup>

Ehsan Sadeghiyan Dehkordi<sup>\*\*\*</sup> Akram Karamali<sup>\*\*\*\*</sup>

(Received on: 2018-08-08; Accepted on: 2019-02-26)

### **Abstract**

Marjeh as one of the Islamic sects emerged based on the circumstances of the Islamic society. This doctrine first laid its ideological foundations by avoiding judging the companions of the Prophet (S) on the issue of his succession. Although the sect was initially tied to political issues, gradually over time, its basic teachings entered theological and religious discourses, where it was believed that a person's faith was separate from his action. In scrutinizing the factors making the idea of *Erja* (postponement), one must first examine the religious and non-religious causes. The question of this research is: what factors did lead to the formation of Murjiah in Khorasan? In this regard, factors such as the geographical and economic location of Khorasan, tribal differences, conquests and various social groups should be considered, which this article deals with historically by using a descriptive-analytical method.

**Keywords:** Murjiah, Khorasan, Conquests, Social Classes.

---

\* PhD Graduate in Post-Islamic Iran, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), zahabi.m@ltr.ui.ac.ir.

\*\* Assistant Professor of Islamic History, Lorestan University, Lorestan, Iran, nazari.d@lu.ac.ir.

\*\*\* PhD Student in Islamic History, University of Tehran, Tehran, Iran, hsansadeghian@ut.ac.ir.

\*\*\*\* PhD Student in Post-Islamic Iran, Lorestan University, Lorestan, Iran, karamali.ak@kh.lu.ac.ir

# پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی

«مقاله پژوهشی»

سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۰۵-۱۲۲

## واکاوی زمینه‌های شکل‌گیری مرجئه در خراسان

مجتبی ذهابی\* داریوش نظری\*\*

احسان صادقیان دهکردی\*\*\* اکرم کرمعلی\*\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷]

### چکیده

مرجئه به عنوان یکی از فریق اسلامی بر اساس اوضاع و احوال حاکم بر جامعه اسلامی ظهور کرد. این تفکر ابتدا با پرهیز از داوری درباره صحابه پیامبر (ص) راجع به مسئله جانشینی ایشان، نخستین پایه‌های عقیدتی‌اش را بنیان نهاد. هرچند ابتدای ظهور این فرقه با مسائل سیاسی گره خورده بود اما به تدریج و با گذشت زمان، تعالیم ابتدایی‌اش وارد مباحث کلامی و دینی شد؛ تفکراتی که قائل به جدایی ایمان از عمل اشخاص شد. در بررسی عوامل شکل‌گیری اندیشه ارجاء باید در وهله اول عوامل دینی و غیردینی را بررسی کرد. پرسش این پژوهش حول این محور است که چه عواملی باعث شکل‌گیری اندیشه مرجئه در خراسان شد. در این باره باید به عواملی همچون موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خراسان، اختلافات قبیله‌ای، فتوحات و گروه‌های اجتماعی گوناگون اشاره کرد که در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی بر مبنای تاریخی بررسی خواهیم کرد.

**کلیدواژه‌ها:** مرجئه، خراسان، فتوحات، طبقات اجتماعی.

\* دانش‌آموخته دکتری ایران بعد از اسلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

zahabi.m@ltr.ui.ac.ir

\*\* استادیار تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران nazari.d@lu.ac.ir

\*\*\* دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، تهران، ایران hsansadeghian@ut.ac.ir

\*\*\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران karamali.ak@kh.lu.ac.ir

## مقدمه

مرجئه یکی از فرق اسلامی بود که در وضعیت دشوار جامعه اسلامی و با تکیه بر منابع دینی به وجود آمد. این فرقه با انحصار ایمان در معرفت قلبی راه را برای تضعیف و حتی کنارزدن شریعت گشود. تعالیم مرجئه به دنبال رفع درگیری‌ها و ناآرامی‌های موجود در جامعه اسلامی در زمان بنی‌امیه بود اما پس از مدتی خود به یکی از معترضان و مخالفان آن حکومت تبدیل شد. درباره زمینه‌های به‌وجودآمدن قیام مرجئه در خراسان دیدگاه‌های گوناگون و گاه متعارضی مطرح شده است. اعتراض مرجئی‌مذهبان، به‌ویژه در خراسان و در اواخر دوره اموی، دیده می‌شود. از دلایل آن می‌توان به باورهای مذهبی، منافع و مشکلات اقتصادی، ظلم ناشی از اختلافات طبقاتی، ظلم حاکمیت اموی و در نهایت تعصبات قبیلگی اشاره کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عوامل گرایش به اندیشه ارجاء شامل عوامل دینی و غیردینی است؛ عوامل دینی عبارت است از: تشابه در مفاهیم دینی، مسئله جانشینی پیامبر، سخت‌گیری خوارج، درگیری‌های مسلحانه؛ و عوامل غیردینی هم شامل تأثیرپذیری از ملت‌های غیرمسلمان، هماهنگی ارجاء با میراث جاهلی عرب، سازگاری اندیشه ارجاء با راحت‌طلبی اکثریت، عوامل اقتصادی و اندیشه‌های ارجائی امویان است. بنابراین، درباره زمینه‌های شکل‌گیری مرجئه در خراسان باید به عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توجه کرد که در این مقاله به آنها می‌پردازیم.

## تعریف لغوی «مرجئه»

واژه «مرجئه» بر وزن «مسلمه»، اسم فاعل و در لغت مشتق از «رجاء» و «إرجاء» به معنای به تأخیر انداختن است (ابن‌اثیر، بی‌تا: ۲۰۶/۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۵/۱۶۴)، اما تأخیری که با نوعی امیدواری توأم است. لذا شهرستانی و فخر رازی یکی از معانی ارجاء را «اعطاء الرجاء» به معنای امیددادن و امیدوارکردن آورده‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۰۷: ۹۳؛ شهرستانی، ۱۴۱۵: ۱/۱۲۵). بر این اساس می‌توان گفت<sup>۱</sup> مرجئه کسانی هستند که اعمال را به تأخیر انداخته و آن را از شرایط ایمان به شمار نمی‌آورند. اعتقاد مرجئه مبنی بر تأخیر عمل از ایمان بر این اساس است که اگر کسی نماز نخواند و روزه نگیرد، باز هم ایمانش وی را نجات خواهد داد. بسیاری از فرقه‌نگاران به این معنا اشاره کرده‌اند (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱/۱۲۵؛ مشکور، ۱۳۶۸: ۴۰۲).

## عوامل گرایش به ارجاء

به طور کلی می‌توان این عوامل را به دو گروه درون‌دینی و برون‌دینی تقسیم کرد.

## ۱. عوامل درون‌دینی

### الف. تشابه در مفاهیم دینی

از عوامل مهم پیدایش فرق و انشعابات درونی در میان پیروان هر دین، اختلاف نظر درباره ماهیت دین و تعریف مفاهیمی است که در آن به کار می‌رود؛ از جمله این مفاهیم در اسلام، تعریف از «ایمان» بود که هر گروه استنباط خاصی از آن داشت. تعریف مرجئه از «ایمان» و «اسلام» در مقابل تعریف خوارج از این دو قرار داشت و این تعارض خود به پیدایی جریان‌های فکری بعدی، مانند معتزله، انجامید (عطوان، ۱۳۸۰: ۱۴).

### ب. مسئله جانشینی پیامبر

اختلاف بر سر جانشینی رسول خدا ﷺ مستقیماً ارتباطی به اندیشه ارجاء نداشت، اما افراد درگیر در مسئله رهبری و جانشینی امت اسلامی در معرض نقد گروه‌های متفاوت از نظر ایمان و کفر قرار می‌گرفتند که این خود باعث به‌وجود آمدن فرق اسلامی شد. خوارج، صحابه درگیر در منازعات سیاسی و نیز مرتکبان کبیره را کافر می‌دانستند؛ شیعه میان صحابه تمایز قائل می‌شد و با معیار حمایت از امام علی (علیه السلام) راجع به صحابه داوری می‌کرد؛ بنی‌امیه و بعضی از صحابه نیز از عثمان طرفداری می‌کردند. در این میان مرجئه روشی مسالمت‌آمیز اتخاذ کرد و با پرهیز از صدور رأی و حکم درباره صحابه درگیر در منازعات سیاسی، اندیشه‌ای جدید را مبنی بر ایمان مرتکب کبیره وارد جامعه اسلامی کرد (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۴۲/۵). بنابراین، می‌توان گفت علت مستقیم پیدایش مرجئه اختلاف‌نظر گروه‌های گوناگون درباره صحابه درگیر منازعات سیاسی بود که غیرمستقیم به مسئله جانشینی پیامبر ﷺ مربوط می‌شد.

### ج. سخت‌گیری خوارج

سخت‌گیری دینی و سیاسی خوارج و عمل‌گرایی افراطی‌شان در جامعه اسلامی موجب پیدایش مرجئه شد. این عقیده به نوعی اباحی‌گری تفریطی انجامید که در مقابل عقیده عمومی خوارج مبنی بر کافر شمردن مرتکب گناه صغیره و کبیره، به طور کلی عمل را از ایمان جدا کرد و این گونه استنباط کرد که عمل، سود و زیانی به ایمان ندارد و مؤمن و غیر مؤمن بودن افراد را نمی‌توان بر اساس رفتارشان معین کرد. بدین‌سان، چنان‌که برخی از محققان گفته‌اند، مرجئه، حد وسط شیعه و خوارج از یک سو و بنی‌امیه از سوی دیگر به شمار می‌آید (عطوان، ۱۳۸۰: ۱۶).

#### د. درگیری‌های مسلحانه

از دیگر سو درگیری‌های گوناگونی که از دوران خلافت امام علی (علیه السلام) شروع شده بود و جامعه را گهگاه دچار تنش و بحران می‌کرد، باعث شد به تدریج جامعه به مواضع آشتی‌جویانه و صلح‌طلبانه مرجئه روی بیاورد. پیکارهای دوران خلافت امام علی (علیه السلام)، قیام کربلا، قیام توابین و قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی از جمله این درگیری‌ها و تنش‌ها بود (همان: ۱۶).

#### ۲. عوامل برون‌دینی

##### الف. تأثیرپذیری از ملت‌های غیرمسلمان

در پیدایش اندیشه ارجاء نمی‌توان تأثیر اندیشه‌های دیگر ملت‌ها را بر مسلمانان سده نخست هجری نادیده گرفت. به گفته کِرِمِر، آموزه‌های مرجئه تحت تأثیر آموزه‌های معابد شرقی و در ارتباط با آنها بوده است (ایوب، ۱۴۱۲: ۷۴). جهمیه نیز تحت تأثیر کتب یونانی قرار داشتند. برخی نیز اندیشه ارجاء را به طور کلی نتیجه اندیشه سهل‌گیرانه هندوایرانی دانسته‌اند (منزوی، ۱۳۵۴: ۱۱). این تأثیرپذیری اندیشه‌ای در میان رهبران مرجئی مذهب نیز دیده می‌شود؛ معبد جهنی، که از او به عنوان نخستین کسی یاد کرده‌اند که در بصره از اعتقاد به قدر سخن به میان آورد، این اعتقاد را از یکی از مسیحیان عراق آموخته بود و غیلان دمشقی نیز آن را از معبد دریافت کرده بود (طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۳/۷؛ ابن‌کثیر، بی‌تا: ۳۴). همچنین، گفته شده که جهم در اعتقاد به مخلوق‌بودن قرآن با قدریه همسو بود و این اعتقاد را از جعد بن درهم آموخته بود (عطوان، ۱۳۸۰: ۸۱). به نوشته ابن‌اثیر، جهم این اعتقاد را از جعد بن درهم و جعد از ابان بن سمعان و ابان از طالوت، خواهرزاده و داماد لبید بن اعصم، و طالوت از لبید بن اعصم یهودی گرفته است. لبید تورات را مخلوق می‌دانست و نخستین کسی که در این باره کتابی نگاشت طالوت بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۷۵/۶).

##### ب. هماهنگی ارجاء با میراث جاهلی عرب

از ویژگی‌های دوران جاهلی، دین‌گریزی و فرار از هر گونه قید و بند قانون و ضابطه بود. دین، الزامات و محدودیت‌هایی را برای زندگی بی‌قید و بند جاهلی فراهم می‌کرد. از این‌رو اسلام با این فرهنگ سازگاری نداشت (غلامی دهقی، ۱۳۸۶: ۷۵). اندیشه ارجاء نوعی محمل دینی و اعتقادی برای توجیه هر نوع بی‌بند و باری و خلاف‌کاری بود؛ از این‌رو هم مطلوب افراد لایبالی بود و هم با

میراث جاهلی توافق و هماهنگی داشت؛ میراثی که هنوز به قوت خود باقی بود و سیطره‌ای بلامنزاع داشت (مسجدجامعی، ۱۳۶۹: ۲۰۹).

### ج. سازگاری اندیشه ارجاء با راحت‌طلبی اکثر مردم

این اندیشه، مردمی را که خواهان رفاه و امنیت بودند به سکوت دعوت می‌کرد که با روحیه اکثر مردم، که مهم‌ترین انگیزه‌شان تأمین رفاه و امنیت خویش بود، هماهنگ بود. اندیشه ارجاء نیز، چه به مفهوم پرهیز از قضاوت درباره صحابه درگیر در منازعات سیاسی و چه به مفهوم تأخیر عمل از ایمان و خارج‌نشدن مرتکب کبیره از دایره مؤمنان، با همین روحیه مسالمت‌جوی راحت‌طلبان سازگاری بیشتری داشت. لذا با استقبال مردم مواجه شد. اسلامی که مرجئه معرفی می‌کرد بسیار سهل و آسان بود و از هر گونه مشقت و تکلیف سخت پرهیز داشت. همین موضوع سبب استقبال از این مکتب فکری شد (غلامی دهقی، ۱۳۸۶: ۷۷).

### د. عوامل اقتصادی

در اینکه عوامل اقتصادی و معیشتی در پیدایش برخی از فرق اسلامی و نیز تحولات سیاسی و اجتماعی نقش داشته است تردیدی نیست. رد پای این عامل در جنبش شعوبیه در ایران، که در آغاز بر آموزه ارزشی تسویه و مبارزه با تبعیض نژادی بنیان نهاده شد، آشکارا دیده می‌شود (اصفهانی، ۱۴۰۷: ۲۵۸). در این زمینه باید گفت در شورش حارث بن سریج، که به مرجئه گرایش داشت نیز، تأثیر مستقیم عوامل اقتصادی دیده می‌شود؛ بنا بر گزارش مورخان، حارث بن سریج تمیمی استیفای حق شهروندی برای موالی در جامعه اسلامی را مطرح کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۵۵۹/۶). جنگ‌های چندین ساله او و دیگر افراد متمایل به مرجئه با نیروهای تحت امر امویان در خراسان و ماوراءالنهر با شعار لغو جزیه<sup>۲</sup> از بومیان نومسلمانان و حق برابری آنها با دیگر مسلمانان (همان: ۵۵۹) نشانگر نقش مسائل اقتصادی در پیدایش این جنبش، دست‌کم در منطقه خراسان، است. به دلیل نقش عوامل اقتصادی و معیشتی است که برخی پژوهشگران از اینکه شورش مرجئه به حرکتی قبیله‌ای و نزاع‌نزاری و مضری تفسیر شود، انتقاد کرده و نوشته‌اند: «این طبقات مستضعف بودند که در مواجهه با اشرافیت عربی در خراسان و ایرانیان قدیم، شورش مرجئه را ایجاد کردند» (اسماعیل، بی‌تا: ۴۵). فان فلوتن نیز مقصود مرجئه را بازگشت به مبدأ مساوات میان ملت‌هایی که اسلام اختیار کرده‌اند، دانسته و اینکه عرب هیچ‌گونه برتری نسبت به عجم، جز در تقوا و پرهیزگاری، ندارد (فلوتن، ۱۳۲۵: ۷۳).

## ه. اندیشه‌های ارجائی امویان

حاکمیت اموی در دامن‌زدن به اندیشه ارجاء نقش داشت. نخست آنکه ایشان به ملل غیرمسلمان همچون یهودیان و مسیحیان بسیار میدان دادند و این باعث شد آنها اندیشه‌هایشان را در میان مسلمانان گسترش دهند؛ دیگر آنکه، همان‌گونه که گفته شد، امویان در زنده نگه‌داشتن آیین و سنن جاهلی اهتمام می‌ورزیدند. بنابراین، در زنده نگه‌داشتن و ترویج اندیشه‌هایی که با این میراث هماهنگ بود (مانند مرجئه) نیز می‌کوشیدند (صابری، ۱۳۹۰: ۱۱۲). از طرفی چون بنی‌امیه جایگاه پیشین خود را بعد از فتح مکه از دست داده بودند به اندیشه ارجاء نیاز داشتند تا بتوانند بر اساس این اندیشه دوباره به جایگاه قبلی‌شان بازگردند (فلوتن، ۱۳۲۵: ۷۶-۷۸).

## زمینه‌های سیاسی شکل‌گیری مرجئه در خراسان

### الف. فتوحات

نخستین و اساسی‌ترین هدف اسلام از فتح سایر سرزمین‌ها، گسترش روح توحیدی و مبنایی‌های بخش خود در میان ساکنان این سرزمین‌ها است؛ هدف و مبنایی که می‌توان گفت در دوران بنی‌امیه تا حد بسیار به فراموشی سپرده شد و اهداف اقتصادی سیری‌ناپذیر حاکمان اموی جای آن را گرفت. اگرچه به طور کلی نمی‌توان انگیزه و عامل اصلی فتوحات، چه در ناحیه خراسان و چه در سایر نواحی، را به صرف عوامل اقتصادی نسبت داد (بلاذری، ۱۳۳۹: ۳۲۴). اما این عامل، به خصوص در دوران بنی‌امیه، یکی از مهم‌ترین عوامل جذب و جلب افراد و تشویق آنها به فتوحات بود (بارتولد، ۱۳۶۶: ۴۰۶). خراسان در ادوار مختلف تاریخ، یکی از بزرگ‌ترین حوزه‌های تمدن ایران‌زمین را در بر می‌گرفته (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۵) که از لحاظ جغرافیایی همواره دارای حدود نامشخصی بوده است (حموی، ۱۳۸۳: ۲۴۵). این منطقه از لحاظ اقتصادی یکی از ثروتمندترین ایالات در زمان بنی‌امیه به شمار می‌رفت؛ «معدن‌های قابل استخراج فراوان مانند نقره، طلا و فیروزه، رونق و رواج بازرگانی و داد و ستد بین‌المللی، صنایع بومی پیشرفته مانند بافندگی، فلزکاری و صابون‌پزی و نیز گوسفندداری و شترداری از جمله ویژگی‌های ممتاز خراسان در این زمان بودند. علاوه بر آن، خراسان به لحاظ کشاورزی از موقعیت بسیار مناسبی برخوردار بود تا آنجا که این استان را انبار غلات ایران نامیده‌اند (دانیل، ۱۳۸۹: ۱۱). به دلیل همین زمینه مناسب کشاورزی و تجاری و نیز موقعیت‌های جغرافیایی خراسان بود که بسیاری از نومسلمانان در آنجا بودند. همین

عامل از یک طرف و فتح سرزمین‌های مجاور از طرف دیگر سبب توجه ویژه خلفای اموی به این منطقه شد و با برقراری مالیات‌های گوناگون و حتی روش‌های غیرشرعی در جمع‌آوری هرچه بیشتر ثروت از این منطقه می‌کوشیدند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۸۲/۳).

در ماجرای فتوحات، حاکمان اموی میزان جزیه دریافتی از نومسلمانان را افزایش دادند تا آنجا که اهل ذمه برای رهایی از پرداخت جزیه به اسلام روی می‌آوردند (طبری، ۱۳۷۵: ۵۹۲/۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۴۶/۵). این کار تا آنجا پیش رفت که در زمان نصر بن سیار، آخرین حاکم بنی‌امیه در خراسان، سی هزار نومسلمان جزیه می‌پرداختند (فراغت، ۱۳۸۳: ۱۲۱). در اعتراض به همین عامل بود که جنبش‌هایی مانند قیام مرجیان به رهبری ابوالصیداء شکل گرفت. یکی دیگر از رفتارهای نادرست فاتحان مربوط به گرفتن خراج<sup>۳</sup> از ساکنان بود. طبق موازین شریعت باید با ساکنان این سرزمین‌ها مانند مسلمانان رفتار می‌شد و فقط از ایشان عشریه یا زکات می‌گرفتند. همچنین، زمین‌هایی که به عنوان اقطاع به بعضی از مجاهدان و اعراب واگذار می‌شد جزء این دسته به شمار می‌آمد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲: ۷۸/۱). با سیاستی که خلیفه دوم، عمر، در پیش گرفت مقرر شد کشاورزان و رعایای سرزمین‌های مفتوحه به کار و زندگی خود در آن اراضی ادامه دهند، و در عوض، مبلغی خراج به عنوان مال التجاره زمین و مبلغی جزیه به عنوان مالیات فرد غیرمسلمانی که در سرزمین‌های تحت حاکمیت مسلمانان زندگی می‌کند، بپردازند (طبری، ۱۳۷۵: ۴۳۲/۵). ولی دولت اموی به جای توجه به اهمیت اخذ خراج از اراضی خراج، به عنوان یکی از منابع تأمین درآمد دولت، به منابع دیگر مانند مالیات‌های نامشروع و غیرقانونی توجه کرد و با سیاست‌های نادرستی که خلفای اموی در پیش گرفتند، بعد از مدتی درآمدی که می‌بایست به بیت‌المال مسلمانان بازگردد به کیسه عده‌ای از زمین‌داران بزرگ، ثروتمندان و افراد متنفذ دیگر سرازیر شد. این عامل سبب اتکای شدید امویان به اخذ مالیات‌های غیرشرعی و غیرقانونی شد. این وضعیت، به‌خصوص در خراسان و ماوراءالنهر، نمود بیشتری یافت. به دنبال آن با کاهش فتوحات و توقف آن به دستور عمر بن عبدالعزیز گروهی از سران سپاهیان به همراه سربازان مستقر در خراسان و ماوراءالنهر به کشاورزی روی آوردند. آنها با خرید اراضی کشاورزی یا با استفاده از زور، صاحب اراضی وسیع کشاورزی شدند. به این ترتیب طبقه‌ای از مالکان جدید تشکیل گردید. این امر بسیاری از احکام و قوانین مالکیت را دگرگون کرد و مشکلات بزرگ اجتماعی به بار آورد (فراغت، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

از دیگر سو مأموران مالیات دولت اموی برای وصول خراج بر مالیات‌دهندگان بیداد می‌کردند و



از اراضی کشت‌شده و کشت‌نشده خراج می‌گرفتند. کشاورزان برای فرار از پرداخت خراج، اراضی‌شان را رها می‌کردند و به شهرها و کوه‌ها پناه می‌بردند یا به قیام‌های ضداموی می‌پیوستند. علاوه بر جزیه و خراج که جزء مالیات‌های مشروع حکومت اسلامی به شمار می‌رفت، دولت بنی‌امیه با توسل به شیوه‌های گوناگون در کسب ثروت هرچه بیشتر از سرزمین‌های اسلامی می‌کوشید. نامه عمر بن عبدالعزیز به عبدالحمید بن عبدالرحمن، عامل خود در کوفه، حاکی از تعدد دریافت انواع مالیات‌های غیرشرعی و غیرقانونی در دوران امویان است. در این نامه خلیفه کاردار خود را از وصول نمونه‌هایی از مالیات منع می‌کند که عبارت‌اند از: مزد ضربان سکه، هدایای اعیان نوروز و مهرگان، بهای کاغذ، پول عروسی، مزد پیک، کرایه‌خانه و جزیه از نومسلمانان (مقریزی، بی‌تا: ۴۹۲).

اوج دریافت مالیات‌های غیرشرعی در زمان خلافت عبدالملک مروان بود و روند دریافت این قبیل مالیات‌ها از آن به بعد نیز سیر تصاعدی داشت (فراغت، ۱۳۸۳: ۱۱۵). دلیل این اقدام آن بود که عبدالملک به منظور مقابله با شورش عبدالله بن زبیر، قیام‌های شیعیان، شورش‌های خوارج و دفع حمله امپراتوری روم نیازمند پول فراوان بود و مانند سایر خلفای اموی نحوه گردآوری این پول و شرعی و قانونی‌بودنش برای وی اهمیت نداشت. بنابراین، در این زمان شاهد اخذ جزیه از نومسلمانان هستیم. عامل عبدالملک در عراق، حجاج بن یوسف نخستین کسی بود که از اهل ذمه، که اسلام آوردند، جزیه گرفت (طبری، ۱۳۷۵: ۱۶۹/۴). عبدالملک نه تنها از این اقدام حجاج حمایت کرد، بلکه کوشید این سیاست را در سرتاسر قلمرو خلافت اجرا کند، اما بعداً مشاورانش او را از این کار منصرف کردند. بنابراین، اقداماتی نظیر وصول جزیه از راهبان و ساکنان دیرها (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۳۸)، تأمین هزینه سپاه از ساکنان سرزمین‌های مفتوحه، تبدیل اراضی عشر به اراضی خراج (خوب‌نظر، ۱۳۴۹: ۱۳)، افزایش بی‌رویه میزان مالیات‌ها، شدت عمل در دریافت مالیات (جهشیری، ۱۴۰۸: ۳۷) و ظلم و تعدی‌های متعدد در حق مالیات‌دهندگان، به‌خصوص موالی، را می‌توان از عوامل نارضایتی عمومی و ایجاد شورش‌ها و اعتراضات گسترده، همچون مرجئه، علیه حکومت بنی‌امیه، به‌ویژه در خراسان، به‌هنگام فتوحات دانست.

بنابراین، فتوحات امویان در این منطقه یکی از ارکان اساسی کسب ثروت حاکمان بنی‌امیه محسوب می‌شد. زیرا غزوات صورت‌گرفته، به‌خصوص در منطقه خراسان، در این دوره با هدف پُرکردن خزانه خلیفه، منفعت‌طلبی و غارت ساکنان سرزمین‌های مفتوحه صورت می‌گرفت (کوفی، ۱۳۷۰: ۵۲۱). چنان‌که در خراسان موالی که حاکمانی همچون عبیدالله بن زیاد، سعید بن عثمان،

قتیبه بن مسلم و دیگران از خراسان به یغما بردند زبانزد بود (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۴). در این فتوحات اوضاع سیاسی اقتصادی مردم به سبب افزودن مالیات‌ها و درگیری‌های میان ساکنان با حکمرانان به هم خورد و ظلم و ستم حکمرانان جدید بر مردم باعث گرایش آنها به مرجئه شد. زیرا در خراسان شمار فراوانی نومسلمان وجود داشت و چون مرجئه نگاهی مساوات‌طلبانه در عقاید خود به نومسلمانان داشتند باعث گرایش هر چه بیشتر آنها به تفکرات مرجئه شد.

### ب. اختلافات قبیله‌ای

منازعات قبایل عرب یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز ایجاد شورش‌های ضد اموی در خراسان بود. حرکت عرب‌ها به شرق ایران در دوره عمر، خلیفه دوم، در قالب نظامی شروع شد و در قالب قبایل و خانواده ادامه یافت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۴۳/۳). این روند مهاجرت در دوره‌های بعدی با جدیت دنبال شد و گروه‌ها و دسته‌های بزرگی از اعراب به داخل سرزمین‌های مفتوحه مهاجرت کردند. رفع مشکلات سیاسی حکومت (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۳)، حفظ و نگاه‌داری سرزمین‌های مفتوحه و نیز کسب ثروت از جمله عوامل محرک امویان در توسعه مهاجرت و نیز اسکان اعراب در این سرزمین‌ها بود. در این میان مهاجرت به ایران، به‌ویژه خراسان، جایگاه ویژه‌ای داشت؛ خراسان نه تنها به علت سنخیت آب و هوایی با طبایع اعراب، محل سکونت قبایل عرب شد (مفتخری، ۱۳۷۵: ۱۳) بلکه در دوره اموی به دلیل قرارگرفتن در معرض حملات ترکان آسیای میانه و نیز قراردادن بر سر راه بازرگانی شرق دور بیشتر اهمیت یافت (فرای، ۱۳۶۳: ۶۹).

پیامد مستقیم حضور اعراب از تیره‌ها و قبایل گوناگون در خراسان، کشیده‌شدن دامنه اختلافات طوایف عرب به خراسان بود (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۸). این مسئله به یکی از مشکلات اساسی دولت اموی تبدیل شد (فراغت، ۱۳۸۳: ۶۹). حاکمان و فرماندهان اموی خراسان دائماً درگیر این جهت‌گیری‌ها بودند. وضعیت سیاسی خراسان نیز تابع این اوضاع و احوال بود. مهم‌ترین این اختلافات قبیله‌ای، در ایران و در سرزمین خراسان، میان قبایل مُضَر (شمالی) و ازد (جنوبی) تداوم داشت که در نهایت به کُندشدن روند فتوحات و بی‌ثباتی سیاسی قلمروهای فتح‌شده انجامید (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۲۳). این درگیری‌ها گاه با شورش‌ها و اعتراضات گسترده ساکنان خراسان همراه می‌شد. در بعضی از این مجادلات سیاسی، مرجئی مذهبان و سران آنها نقش فعالی داشتند؛ مهم‌ترین این افراد حارث بن سریج بود که وابستگی‌های قبایلی اش نقش پررنگی در درگیری‌های وی در خراسان ایفا می‌کرد.

## زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری مرجئه در خراسان

### الف. گروه‌های اجتماعی گوناگون

خراسان دوره اموی به علت موقعیت جغرافیایی خاصش، در بردارنده گروه‌ها و دسته‌های گوناگون اجتماعی بود. این گروه‌ها هر یک در تعامل مستقیم با دولت اموی بودند و بسته به منافع و دیدگاه‌های سیاسی خود از این تعامل سود یا زیان می‌دیدند. مهم‌ترین این گروه‌ها، که بازوی اجرایی دولت اموی محسوب می‌شد، همان اعراب ساکن در خراسان بودند. هرچند این گروه نیز به علت منازعات قبیله‌ای، گاه در مقابل حکومت اموی قرار می‌گرفت. علاوه بر اعراب ساکن خراسان، دو گروه دیگر در خراسان حضور داشتند که در معادلات سیاسی آنجا نقش مهمی ایفا می‌کردند: اهل ذمه و موالی (طبری، ۱۳۸۷: ۲۸۷/۲). «اهل ذمه» به پیروان ادیان دیگر که در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند گفته می‌شد؛ اطلاق این اصطلاح بدین جهت بود که حمایت و حفاظت از آنها با پرداخت جزیه بر عهده مسلمانان قرار می‌گرفت (ممتحن، ۱۳۷۰: ۱۰۶). در جامعه خراسان نیز شمار فراوانی از اهل ذمه زندگی می‌کردند. زیرا خراسان، شرقی‌ترین نقطه قلمرو اسلامی و هم‌مرز با سرزمین‌های غیرمسلمان بود. این امر خود به درگیری در این منطقه می‌انجامید. فتوحات خراسان، که پیوسته در این ناحیه و نواحی مجاور صورت می‌گرفت، باعث می‌شد انبوهی از پیروان سایر ادیان، تحت عنوان «اهل ذمه» در قلمرو حکومت اسلامی قرار گیرند. سخت‌گیری‌های بی‌دلیل مذهبی بر اهل ذمه و نیز اخذ بی‌رویه مالیات از ایشان به بهانه‌های گوناگون در دوران بنی‌امیه باعث شد بسیاری از آنها مسلمان شوند (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۱۳). هرچند گاه اسلام‌آوردنشان باعث برداشتن جزیه از آنها نمی‌شد<sup>۴</sup> یا با ایجاد شورش‌های گوناگون و پیوستن به آن، مانند شورش حارث بن سریج، اعتراض خود را ابراز می‌کردند (فراغت، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

موالی، نومسلمانان غیرعربی بودند که طبق یکی از سنت‌های عصر جاهلیت در بین اعراب به شخص یا قبیله‌ای پیوند داشتند (همان: ۸۲). موالی، در حقیقت، شهروندان درجه دوم جامعه اسلامی آن روز بودند که اگرچه تحقیر آنان و مردم غیرعرب از دوران پیش از حکومت بنی‌امیه آغاز شد، در زمان حکومت آنان شدت یافت (مفتخری و زمانی، ۱۳۸۷: ۸۱). گرفتن جزیه از نومسلمانان، فرستادن موالی به میدان‌های جنگ بدون پرداخت حقوق و مسائلی از این قبیل، از جمله رفتارهای حقارت‌آمیز امویان با موالی بود (مشکور، ۱۳۶۸: ۸۲). علی‌رغم سیاست‌های ظالمانه یادشده، نقش موالی در دسته‌بندی‌ها و اختلاف قبایل عرب، به‌ویژه در نواحی دور از مرکز همچون خراسان،

بسیار چشمگیر بود (فراغت، ۱۳۸۳: ۸۶). زیرا هم خراسان بیشترین تعداد مسلمانان غیرعرب را در خود جای داده بود و هم موالی در خراسان از پست‌ترین امور تا بالاترین مقامات حکومتی را عهده‌دار بودند؛ به‌ویژه که شمار فراوانی از آنها در بخش نظامی حکومت فعالیت می‌کردند که برای فتوحات یا سرکوبی شورش‌های داخلی از آنها استفاده می‌شد.

### ب. فعالیت سران مذهبی فرقه مرجئه در خراسان

با به قدرت رسیدن امویان تلاش آنها برای سلطه همه‌جانبه بر تمام ارکان زندگی مسلمانان شدت یافت. بنابراین، آنها از اختلافات مذهبی بهره بردند (منزوی، ۱۳۵۴: ۱۱). فرقه مذهبی مرجئه در کشاکش‌های این دوران پا به عرصه گذاشت که بنیادی‌ترین آموزه‌اش داوری نکردن درباره شخص گناهکار و به تأخیر انداختن این داوری تا قیامت بود (فخرالدین رازی، ۱۴۰۷: ۹۳). از آنجا که این فرقه و آموزه‌هایش به نوعی توجیه‌کننده ظلم و فساد حاکم در دوران اموی بوده، امویان آن را حمایت کردند و در بسیاری از سرزمین‌های اسلامی، به‌ویژه خراسان، گسترش یافت (ایوب، ۱۴۱۲: ۴۸۸). اما با بررسی منابع می‌توان گفت بسیاری از اعمال امویان با تعالیم مکتب مرجئه مطابقت نداشت، بلکه بسیاری از سران این فرقه مذهبی، همچون مقاتل بن سلیمان، عبدالعزیز بن رواد ازدی خراسانی مکی، ابراهیم بن طهمان هروی نیشابوری بغدادی مکی، ثابت بن قطنه ازدی، ابوحمزه محمد بن میمون سُکری مروزی، جهم بن صفوان با تکیه بر تعالیم مرجئه علیه امویان دست به قیام زدند (عطوان، ۱۳۸۰: ۱۴۲) که این مخالفت آنها به دلیل حضور انبوهی از نومسلمانان خراسان و نگاه مساوات‌طلبانه‌ای بود که این فرقه بر اساس اعتقاداتش به آنان داشت که با این کار آنها عقاید و انگاره‌های دینی‌شان را که مخالف هر گونه فساد و ظلم و تبعیض بود، تبلیغ می‌کردند و باعث گرایش بسیاری از اهالی به اصول و اعتقادات خودشان می‌شدند (غلامی دهقی، ۱۳۸۶: ۱۰).

### نتیجه

فرقه مرجئه در میان درگیری‌های سیاسی بعد از رحلت پیامبر ﷺ و به واسطه داوری نکردن درباره مؤمن یا کافر بودن امام علی (علیه السلام) و معاویه پا به عرصه وجود گذاشت. برخی از صحابه پیامبر ﷺ مانند ابوموسی اشعری، سعد بن ابی وقاص، عبدالله ابن عمر، محمد بن مسلمه انصاری را می‌توان جزء مروجان و معتقدان به نخستین اندیشه‌های ارجاء دانست. این فرقه که به سبب وضعیت اجتماعی آن روزگار و در مقابل افراط‌گرایی بی‌اندازه خوارج به وجود آمده بود در طی مراحل بسط و

گسترش خود با استقبال انبوه مسلمانان، به‌ویژه نومسلمانان و موالی، مواجه شد. می‌توان دلایل این گرایش را به طور کلی به دو دسته عوامل درون‌دینی و برون‌دینی و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی طبقه‌بندی کرد. تأثیرپذیری برخی از تعالیم این فرقه از برخی از آموزه‌های ملت‌های غیرمسلمان، انطباق حداقل بخشی از این تعالیم با میراث جاهلی عرب، سازگاری این اندیشه‌ها و تمایلات راحت‌طلبانه اکثریت از عوامل برون‌دینی گرایش به مرجئه بود. درگیری‌های مسلحانه مذهبی، سخت‌گیری‌های بی‌دلیل خوارج، جدال بر سر جانشینی پیامبر ﷺ و مهم‌تر از همه ابهام در بسیاری از متون دینی از عوامل درون‌دینی گرایش به اندیشه ارجاء بود. این عوامل به همراه موقعیت ویژه جغرافیایی و اجتماعی خراسان باعث شد بسیاری از اهالی این منطقه به اندیشه‌های مکتب ارجاء تمایل پیدا کنند. در خراسان، روند فتوحات به عنوان شرقی‌ترین قلمرو حکومت اسلامی و به دلیل هم‌مرز بودن با کشورهای غیراسلامی به صورت امری متناوب درآمده بود و سبب می‌شد همواره بسیاری از افرادی که تازه به دین اسلام گرویده بودند در آن سامان حضور داشته باشند. این قشر از جامعه خراسان به علت ظلم و فشار مذهبی و اقتصادی که حکومت بنی‌امیه بر آنان وارد می‌کرد، همواره در صدد بود با تکیه بر آموزه‌های اسلامی این فشار و ستم را از خود دور کند. بنابراین، تعالیم مساوات‌طلبانه مرجئیان در زمینه اقتصاد و نیز اصول متساهلانه ایشان در زمینه مذهب باعث شد جنبش‌های متعددی از ناحیه نومسلمانان با تکیه بر اندیشه ارجاء در خراسان شکل بگیرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. «المرجئة هم الذین اخروا الأعمال ولم یعتقدوها من فرائض الایمان».
۲. جزیه که مبنایی قرآنی داشت (توبه: ۲۹) مالیاتی بود که به سبب مخارج پاسداری و حفاظت از غیرمسلمانان و پناه‌دادن به آنها در جامعه اسلامی از آنان ستانده می‌شد.
۳. خراج به طور کلی مالیاتی بود که از زمین‌هایی که مسلمانان تصرف می‌کردند گرفته می‌شد. این اراضی به سه دسته تقسیم می‌شد: اراضی طوع یا زمین‌هایی که مالکانش به میل خود اسلام آورده بودند؛ اراضی صلح یا زمین‌هایی که ساکنانش طی معاهده‌ای با دولت اسلامی صلح کرده بودند؛ اراضی عنوه یا زمین‌هایی که سپاه اسلام به جنگ فتح می‌کردند.
۴. مانند آنچه حجاج بن یوسف یا اشرس بن عبدالله سلمی انجام داد.

## منابع

- قرآن مجید (۱۳۷۶). ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن اثیر جزری، عزالدین علی (۱۳۷۱). کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ج ۶.
- ابن اثیر، عزالدین علی (بی تا). الکامل، ترجمه: ابوالقاسم حالت، تهران: علمی، ج ۵.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۷۰). الفتوح، ترجمه: محمد ابن احمد مستوفی هروی، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۳.
- ابن کثیر الدمشقی، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (بی تا). البداية والنهاية فی التاريخ، بیروت: مکتبة المعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶). لسان العرب، تصحیح: امین محمد عبد الوهاب و محمد الصادق العبدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۵.
- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). بررسی وضع مالی و مالیة مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، تهران: سمت.
- اسماعیل، محمود (بی تا). الحركات السرية فی الاسلام: روية عصرية، بیروت: دار القلم.
- الاصفهانى، ابو الفرج (۱۴۰۷). الاغانى، بیروت: دار الفکر.
- اکبری، امیر (۱۳۸۴). تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی و تهران: سمت.
- ایوب، سعید (۱۴۱۲). الانحرافات الكبرى، بیروت: دار الهمادى.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر ویچ (۱۳۶۶). ترکستان‌نامه: ترکستان در عهد هجوم مغول، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: آگاه، چاپ دوم.
- البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۳۹). فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل، تهران: نقره، چاپ اول.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۵). «عرب‌تباران خراسان و نقش آنان در سقوط امویان»، در: فرهنگ، ش ۶۰، ص ۱-۲۴.
- الجهشيارى، محمد بن عبدوس (۱۴۰۸). الوزراء والکتاب، بیروت: دار الفکر الحدیث.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳). معجم البلدان، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول.
- خوب‌نظر، حسن (۱۳۴۹). «علوم انسانی: علل جنبش‌های مذهبی سیاسی در ایران در قرون اول هجری»، در: خرد و کوشش، ش ۵، ص ۹-۳۹.
- دانیل، التون ال. (۱۳۸۹). تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در آغاز حکومت عباسیان، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی فرهنگی، چاپ سوم.
- الشهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۴۱۵). الملل والنحل، تحقیق: امیر علی مهنا و غیره، بیروت: دار المعرفة.
- صابری، حسین (۱۳۹۰). تاریخ فرق اسلامی، تهران: سمت.
- الطبرى، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ج ۴-۷.

الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ج ۲ و ۳.

عطوان، حسین (۱۳۸۰). مرجئه و جهمیة در خراسان عصر اموی، ترجمه: حمیدرضا آذیر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

غلامی دهقی، علی (۱۳۸۶). ستیز و سازش در تاریخ و اندیشه سیاسی مرجئه در عصر اموی، استاد راهنما: صادق آیینه‌وند، پایان‌نامه دکتری تاریخ اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

فخر الدین الرازی، محمد بن عمر (۱۴۰۷). اعتقادات فرق المسلمین والمشرکین، تحقیق: محمد المعتمد بالله البغدادی، بیروت: دار الکتب العربی.

فراغت، محمدمهدی (۱۳۸۳). جنبش نومسلمانان در خراسان (۱۰۰-۱۲۸ هجری، استاد راهنما: حسین مفتخری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، تهران: دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).

فرای، ریچارد (۱۳۶۳). عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش، چاپ دوم.

فلوتن، فان (۱۳۲۵). تاریخ شیعه و علل سقوط بنی‌امیه، ترجمه: سید مرتضی حائری هاشمی، تهران: اقبال.

الکراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). کنز الفوائد، قم: منشورات دار الذخائر، ج ۱.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷). فرقه‌های اسلامی، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۲). زمین در فقه اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

مسجدجامعی، محمد (۱۳۶۹). زمینه‌های تفکر سیاسی در اسلام در قلمرو تشیع و تسنن، تهران: الهدی، چاپ اول.

مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). فرهنگ فرق اسلامی، توضیحات: کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های

اسلامی آستان قدس رضوی.

مفتخری، حسین (۱۳۷۵). «مرجئه و نشر اسلام»، در: مقالات و بررسی‌ها، ش ۵۹-۶۰، ص ۷۳-۸۴.

مفتخری، حسین؛ زمانی، حسین (۱۳۸۷). تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان، تهران: سمت، چاپ چهارم.

المقدسی، أبو عبد الله محمد بن احمد (۱۴۱۱). احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم، القاهرة: مکتبة مدبولی، الطبعة الثالثة.

المقریزی، احمد بن علی (بی‌تا). المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، بغداد: مکتبة المثنی.

ممتحن، حسین علی (۱۳۷۰). نهضت شعوبیه، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.

منزوی، علی نقی (۱۳۵۴). «مرجیان که بودند و چه می‌گفتند؟»، در: کاوه، س ۱۳، ش ۵، ص ۸-۱۳.

## References

- The Holy Quran. 1997. Translated by Mohammad Mahdi Fuladwand, Tehran: Office of Islamic History and Teachings. [in Farsi]
- Akbari, Amir. 2005. *Tarikh Hokumat Taheriyān az Aghaz ta Anjam (History of Taherian Rule from Beginning to End)*, Mashhad: Islamic Research Foundation & Tehran: Samt. [in Farsi]
- Al-Balazori, Ahmad ibn Yahya ibn Jaber. 1960. *Fotuh al-Boldan*, Translated by Mohammad Tawakkol, Tehran: Noghreh, First Edition. [in Farsi]
- Al-Isfahani, Abu al-Faraj. *Al-Aghani*, Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Al-Jahshayari, Mohammad ibn Abdus. 1987. *Al-Wozara wa al-Kottab (Ministers and Writers)*, Beirut: House of Modern Thought. [in Arabic]
- Al-Karajaki, Mohammad ibn Ali. 1989. *Kanz al-Fawaed (Treasure of Benefits)*, Qom: Heritage House Publications, vol. 1. [in Arabic]
- Al-Meghrizi, Ahmad ibn Ali. n.d. *Al-Mawaez wa al-Etebar be Zekr al-Khotat wa al-Athar*, Baghdad: Al-Mothanna Press. [in Arabic]
- Al-Moghaddasi, Abu Abdollah Mohammad ibn Ahmad. 1990. *Ahsan al-Taghasim fi Marefah al-Aghalim (The Best Divisions for the Knowledge of Regions)*, Cairo: Madbuli Press, Third Edition. [in Arabic]
- Al-Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. 1994. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations & Schools)*, Researched by Amir Ali Mahna et al, Beirut: Knowledge House. [in Arabic]
- Al-Tabari, Abu Jafar Mohammad ibn Jarir. 1967. *Tarikh al-Omam wa al-Moluk (History of the Nations and the Kings)*, Researched by Mohammad Abu al-Fazl Ibrahim, Beirut: Heritage House, vols. 2 & 3. [in Arabic]
- Al-Tabari, Abu Jafar Mohammad ibn Jarir. 1996. *Tarikh Tabari*, Translated by Abu al-Ghasem Payandeh, Tehran: Asatir, vols. 4-6. [in Farsi]
- Atwan, Hoseyn. 2001. *Morjeah wa Jahmiyah dar Khorasan Asr Omawi (Murjiah and Jahmiyyah in Khorasan in the Umayyad Era)*, Translated by Hamid Reza Ajir, Mashhad: Islamic Research Foundation. [in Farsi]
- Ayyub, Said. 1991. *Al-Enherafat al-Kobra (Major Deviations)*, Beirut: Al-Hadi House. [in Arabic]
- Bartold, Vasily Vladimirovich. 1987. *Torkestan Nameh: Torkestan dar Ahd Hojum Moghol (Turkestan in the Era of the Mongol Invasion)*, Translated by Karim Keshawarz, Tehran: Aghah, Second Edition. [in Farsi]
- Daniel, Elton L. 2010. *Tarikh Siyasi wa Ejtemai Khorasan dar Aghaz Hokumat Abbasiyan (Political and Social History of Khorasan at the Beginning of the Abbasid Rule)*, Translated by Masud Rajabnia, Tehran: Scientific & Cultural, Third Edition. [in Farsi]



- Ejtehadi, Abolghasem. 1984. *Barresi Waz Mali wa Maliyeh Moslemin az Aghaz ta Payan Doran Omawi (Examining the Financial Situation and Finances of Muslims from the Beginning to the End of the Umayyad Period)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Fakhr al-Din al-Razi, Mohammad ibn Omar. 1986. *Eteghadat Feragh al-Moslemin wa al-Moshrekin (Beliefs of the Muslim and Polytheistic Sects)*, Researched by Mohammad al-Motasam Bellah al-Baghdadi, Beirut: Arabic Book House. [in Arabic]
- Feraghat, Mohammad Mahdi. 2004. *Jonbesh Nomosalmanan dar Khorasan 100-128 AH (Neo-Muslim Movement in Khorasan 100-128 AH)*, Supervisor: Hoseyn Moftakhari, Master's Thesis in History, Tehran: Kharazmi University (Teacher Training). [in Farsi]
- Frye, Richard. 1984. *Asr Zarrin Farhang Iran (The Golden Age of Persia)*, Translated by Masud Rajabniya, Tehran: Soroush, Second Edition. [in Farsi]
- Gholami Dehaghi, Ali. 2007. *Setiz wa Sazesh dar Tarikh wa Andisheh Siyasi Mojeah dar Asr Omawi (Conflict and Compromise in the History and Political Thought of Murjiah in the Umayyad Era)*, Supervisor: Sadegh Ayinehwand, PhD Thesis in Islamic History, Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [in Farsi]
- Hemawi, Yaghut ibn Abdollah. 2004. *Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries)*, Translated by Ali Naghi Monzawi, Tehran: Cultural Heritage Organization, First Edition. [in Farsi]
- Ibn Atham Kufi, Mohammad ibn Ali. 1991. *Al-Fotuh*, Translated by Mohammad ibn Ahmad Mostofi Herawi, Edited by Gholam Reza Tabatabayi Majd, Tehran: Islamic Revolution Education. [in Farsi]
- Ibn Athir Jazari, Ezz al-Din Ali. 1992. *Kamel Tarikh Bozorg Islam wa Iran (Great Comprehensive History of Islam and Iran)*, Translated by Abolghasem Halat & Abbas Khalili, Tehran: Elmi Press Institute, vol. 6. [in Farsi]
- Ibn Athir, Ezz al-Din Ali. n.d. *Al-Kamel*, Translated by Abolghasem Halat, Tehran: Elmi, vol. 5. [in Farsi]
- Ibn Kathir al-Dameshghi, Abu al-Feda Ismail ibn Omar. n.d. *Al-Bedayah wa al-Nehayah fi al-Tarikh (The Beginning and the End in History)*, Beirut: Teaching Library. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 1995. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Edited by Amin Mohammad Abd al-Wahhab & Mohammad al-Sadegh al-Abidi, Beirut: Arab Heritage Revival House, vol. 5. [in Arabic]
- Ibn Sad, Mohammad. 1989. *Al-Tabaghat al-Kobra (Major Classes)*, Researched by Mohammad Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books House, vol. 3. [in Arabic]

- Ismail, Mahmud. n.d. *Al-Harakat al-Serriyah fi al-Islam: Rawiyyah Asriyyah (Secret Movements in Islam: A Modern Current)*, Beirut: Al-Ghalam House. [in Arabic]
- Khubnazar, Hasan. 1970. "Olum Ensani: Elal Jonbesh-hay Mazhabi Siyasi dar Iran dar Ghorun Awwal Hejri (Humanities: Causes of Religious and Political Movements in Iran in the First Centuries AH)", in: *Wisdom and Effort*, no. 5, pp. 9-39. [in Farsi]
- Madelung, Wilferd. 1998. *Fergheh-hay Islami (Islamic Sects)*, Translated by Abolghasem Serri, Tehran: Asatir. [in Farsi]
- Mashkur, Mohammad Jawad. 1989. *Farhang Feragh Islami (Dictionary of Islamic Denominations)*, Annotated by Kazem Modir Shanehchi, Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Qods Razawi. [in Farsi]
- Masjed Jamei, Mohammad. 1990. *Zamineh-hay Tafakkor Siyasi dar Islam dar Ghalamro Tashayyo wa Tasannon (Fields of Political Thought in Islam in the Realm of Shia and Sunni Islam)*, Tehran: Al-Hoda, First Edition. [in Farsi]
- Modarresi Tabatabayi, Hoseyn. 1983. *Zamin dar Feghh Islami (Land in Islamic Jurisprudence)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office, First Edition. [in Farsi]
- Moftakhari, Hoseyn. 1996. "Morjeah wa Nashr Islam (Murjiah and Spread of Islam)", in: *Articles and Reviews*, no. 59-60, pp. 73-84. [in Farsi]
- Moftakhari, Hoseyn; Zamani, Hoseyn. 2008. *Tarikh Iran az Worud Mosalmanan ta Payan Taheriyen (History of Iran from the Arrival of Muslims to the End of Taherians)*, Tehran: Samt, Fourth Edition. [in Farsi]
- Momtachen, Hoseyn Ali. 1991. *Nehzat Shoubiyyah (Shoubiyyah Movement)*, Tehran: Pocket Books Joint Stock Company, Second Edition.
- Monzawi, Ali Naghi. 1975. "Morjeiyan ke Budand w che Migoftand (Who Were the Murjites and What Did They Say?)", in: *Kaweh*, yr. 13, no. 5, pp. 8-13. [in Farsi]
- Saberi, Hoseyn. 2011. *Tarikh Feragh Islami (History of Islamic Sects)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Torkamani Azr, Parwin. 2006. "Arab Tabaran Khorasan wa Naghsh Anan dar Soghut Omawiyen (The Arabs of Khorasan and Their Role in the Fall of the Umayyads)", in: *Culture*, no. 60, pp. 1-24. [in Farsi]
- Vloten, Van. 1946. *Tarikh Shiah wa Elal Soghut Bani Omayyah (Shiite History and Causes of the Fall of the Umayyads)*, Translated by Seyyed Morteza Haeri Hashemi, Tehran: Eghbal. [in Farsi]